

غلو و برتری ناراوا

دکتر محمد علی رضایی

حجة الاسلام و المسلمین دکتر

علی رضایی بیرجندی

عضو هیات علمی دانشگاه بیرجند



طوب و تربی نارواد متون و فرهنگ اسلامی

حجت الاسلام دکتر علی رضایی

نام: غائی بیرجندی، علی، ۱۳۳۵ -

عنوان: نام پدیدآور: غلو و برتربینی نارواد متون و فرهنگ اسلامی / مؤلف: علی رضائی بیرجندی.

موضوعات: نشر: تهران: فکر بکر، ۱۳۹۳.

مشخصات فیزیکی: ۱۴۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۶-۳۰۸

وضعیت فهرست نویسی:

یادداشت: کتابخانه

موضوع: غلو

موضوع: غلاة شیعه

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۵۶۸/۵۳/۳۰۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۹۴۷۵۲

www.fekrebekr.ir

خرید اینترنتی این اثر در سایت:

ناشر: فکر بکر

امور فنی: انتشارات فکر بکر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۳

لیتوگرافی و چاپ: واصف

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۹۶-۳۰۸

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤسسه اولوالالباب می باشد.

انتشارات فکر بکر: نمایندگی خراسان جنوبی، بیرجند، خیابان آیت الله غفاری، حدفاصل غفاری ۱۰ و ۱۲

تلفکس: ۰۵۶-۳۲۴۲۵۰۳۴

امام علی ابن موسی الرضا علیه السلام فرمودند: ای ابن ابی محمود! مخالفین ما سه نوع خبر در فضائل ما جعل کرده‌اند:

۱ - غلو، ۲ - کوتاهی در حق ما، ۳ - تصریح به بدی‌های دشمنان ما و دشنام به آنان.

و وقتی مردم اخبار غلو آن دسته را می‌شنوند، شیعیان ما را تکفیر می‌کنند و می‌گویند: سیهه قائل به ربوبیت ائمه خود می‌باشد. و وقتی کوتاهی در حق ما را می‌شنوند، به آن متقدم می‌شوند، و وقتی بدی‌های دشمنان ما و دشنام به آنان را می‌شنوند، ما را دشنام می‌دهند، و حال آنکه، خداوند می‌فرماید:

«وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»

(و کسانی را که مشرکین، با عنوان بیادیت می‌خوانند، دشنام ندهید، چه آنکه آنان نیز خدا را به ظلم و از روی نادانی دشنام خواهند داد- انعام: ۸۰۱) ای ابن ابی محمود! وقتی مردم به چپ و راست می‌روند، تو ملازم طریقه ما باش، زیرا هر کس با ما همراه شود ما با او همراه خواهیم بود، هر کس از ما جدا شد ما نیز از او جدا خواهیم شد.^۱

۱. «قَالَ الرضا يَا ابْنِ أَبِي مَحْمُودٍ إِنَّ مَخَالَفِينَ وَضَعُوا أَخْبَارًا فِي فَضَائِلِنَا وَجَعَلُوهَا عَلَي ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ أَحَدُهَا الْغُلُوُّ وَثَانِيهَا التَّقْصِيرُ فِي أَمْرِنَا وَثَالِثُهَا التَّضَرُّعُ بِمُتَالِبِ أَعْدَائِنَا فَإِذَا سَمِعَ النَّاسُ الْغُلُوَّ فِينَا كَفَرُوا وَشَبَّعَتْنَا وَنَسَبُوهُمْ إِلَى الْقَوْلِ بِرُبُوبِيَّتِنَا وَإِذَا سَمِعُوا التَّقْصِيرَ اِغْتَقَدُوهُ فِينَا وَإِذَا سَمِعُوا مُتَالِبِ أَعْدَائِنَا بِأَسْمَائِهِمْ تَلَبَّسُوا بِأَسْمَائِنَا وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ يَا ابْنَ أَبِي مَحْمُودٍ إِذَا أَخَذَ النَّاسُ يَمِينًا وَشِمَالًا فَالْزِمْ طَرِيقَتَنَا فَإِنَّهُ مَن لَزِمَنَا لَزِمَنَا وَمَن فَارَقَنَا فَارَقَنَا»
عیون اخبار الرضا علیه السلام ج ۱ ص ۳۰۴

فهرست مطالب

- مقدمه استاد فرزانه حضرت آیت الله دری نجف آبادی ۱۱
پیش گفتار ۱۹

بخش اول: کلیات و مفاهیم

فصل اول: واژه شناسی

- معنای لغوی ۲۸
معنای اصطلاحی غلو ۳۰
مظاهر غلو ۳۲
حکم غلو ۳۴

فصل دوم: غلو در قرآن

- الف: غلو نسبت به عیسی علیه السلام ۴۳
ب: غلو نسبت به عزیر علیه السلام ۴۷
مبارزه قرآن با غلو ۵۰
آیاتی که لحن آنها نفی غلو استفاده می شود ۱۳

فصل سوم: غلو در روایات

- زیارت جامعه و توهّم غلو ۷۰
سیل بنیان کن اساس شرک و غلو ۷۴

- ۷۴ اعتقاد به شفاعت و غلو
- ۷۵ اعتقاد به علم غیب اولیای الهی و غلو
- ۷۶ غلو در همه فرق و مذاهب

فصل چهارم: موارد غلو

- ۸۵ ۱- غلو در عقاید دینی
- ۹۱ ۲- غلو نسبت به رهبران دینی
- ۹۱ ۳- غلو در توحید

بخش دوم: عال، زمینه ها و پی آمدهای غلو

فصل اول: زمینه ها و علت های غلو

- ۹۷ الف: زمینه های پیدایش اندیشه غلو
- ۱۰۰ ب: علت های پیدایش غلات
- ۱۰۰ ۱- جهل و ناآگاهی
- ۱۰۱ ۲- عشق افراطی
- ۱۰۲ ۳- دنیا گرایی
- ۱۰۳ ۴- ناهنجاری های اخلاقی و بی مبالاتی نسبت به ارزش های اسلامی

فصل دوم: پیامدهای منفی غلو

- ۱۱۱ نادیده گرفتن عظمت و بزرگی خداوند
- ۱۱۱ ۱. کوچک کردن عظمت خداوند
- ۱۱۱ ۲. ترک واجبات
- ۱۱۲ ۳. جعل احادیث

بخش سوم: راههای مبارزه با غلو در قرآن و روایات

فصل اول: قرآن و مبارزه با غلو

- پرهیز از غلو در قرآن ۸۶
- راههای مبارزه با غلو ۸۶

فصل دوم: مبارزه اهل بیت (علیهم السلام) در برابر غالیان

- پرهیز از غلو در فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) ۱۲۱
- برخورد امام صادق (علیه السلام) با بشاریه ۱۲۴
- برخورد امام حسن (علیه السلام) با صاحب زنج ۱۲۵
- شیوه های مقابله با غالیان ۱۲۶
- ۱- ترک ارتباط با عباسان منحرفان ۱۲۶
- ۲- اقتدا نکردن در نماز به آنان ۱۲۷
- ۳- معرفی منحرفان با لعن کردن ۱۲۷
- ۴- امر به کشتن رهبران انحراف ۱۲۸
- ماحصل و مرور ۱۳۰
- کتاب شناسی غلو ۱۳۱
- منابع ۱۳۸

مقدمه استاد فرزانه حضرت آیت الله در نجف آبادی مدظله العالی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اهل البیت (علیهم السلام) عیار انسان کامل

اهل البیت (علیهم السلام) جامع راه و سرمایه سعادت و نور دنیا و آخرت اند. شناخت و معرفت آن بزرگواران رمز مراقبت و کلید نجات و مایه خیر و برکت است. قرآن کریم آن بزرگواران را به عدل عالترین انسان های تراز و صراط مستقیم و مظهر اسماء و صفات حضرت بقی مودت و رهنمایان طریق هدایت و پرچمداران صلاح و سعادت و قافله سالاران سله کمال است. الله و اذن واعیه و من عنده علم الکتاب و انسان کامل و دارای مقام ولایت و عبودیت و مخلصین و مصداق آیه تطهیر و مباحله و سوره هل اتی و آیه نور و رجال اعرف و راستخون در علم و اسوه حسنه و سوره قدر و کوثر می داند و به ما دسرر اطاعات و اعتصام به حبیل الله المتین که مصداق عینی و عملی آن و تجسم عینی این تبار عینی اهل یقین آل محمد (علیهم السلام) است، را می دهد.

و یا رسول اعظم (صلی الله علیه و آله) می فرماید: **إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي. مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي أَبَدًا؛** آن چه مهم است آن است که ما اهل بیت (علیهم السلام) و ائمه هدی (علیهم السلام) آن چنان که هستند و قرآن و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ایشان فرموده اند بشناسیم و اطاعت و پیروی کنیم و از افراط و تفریط و جهالت و تعصب برحذر باشیم. در این رابطه سه دیدگاه به

نظر می رسد.

الف) دیدگاه صحیح و خداپسندانه که اهل بیت (علیهم السلام) را انسان کامل، انسان برتر، انسان ولی الله می داند؛ نه ما فوق انسان و نه انسان در عرض انسان های دیگر
 ب) دیدگاه همراه با غلو که ایشان را ما فوق انسان معرفی می کند و می شناسد.

ج) دیدگاه جاهلان و مغرضان که شأن آن بزرگواران را در حد انسان های دیگر قرار می دهد و منکر فضائل و مناقب و مقامات معنوی و ملکوتی و عنایات ربانی نسبت به ایشان می شود.

البته این نوع جزیه و تحلیل شخصیت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) اختصاص به ایدئولوژی و به این مبین اسلام ندارد بلکه در سایر مذاهب و فرق اسلامی و نیز در سایر ادیان الهی از جمله دین حضرت موسی (علیه السلام) و دین حضرت عیسی (علیه السلام) مصداق دارد. در قرآن کریم حضرت عیسی (علیه السلام) را عبدالله معرفی می فرماید: «قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ»

و یا می فرماید: لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ؛^۱ ولی متأسفانه بدعت ها و خرافات سرائی که در ادیان آسمانی توسط عناصر مسئله ساز و جاه طلب به وجود آمده بر کسی پوشیده نیست و تاریخ پر است از این انحرافات و تحریفات و بدعت ها.

نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) نیز همواره نگاه و دیدگاههای افراطی و تفریطی بوده و از درون پیروان مکتب و از بیرون همواره جریان های مسئله دار عقده گشایی کرده و با ادعاهای غلط و تهمت و افترا و فرقه سازی و فرقه تراشی تلاش کرده تا شخصیت با عظمت اهل بیت (علیهم السلام) را به حاشیه برانند و خود و سلیقه های

۱. سوره مریم، آیه ۳۰.

۲. سوره نساء، آیه ۱۷۲.

خود را جایگزین نموده و الگوهای ساختگی را به جای امامان راستین و پاک و پاک سرشت و طاهر و مطهر و باب مدینه علم قرار دهند.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «اگر به دست راست روی نهی به گمراهی افتاده ای و اگر به دست چپ گرای، باز هم، به گمراهی افتاده ای پس راه میانه را در پیش گیر که رهایی در همان است. قرآن کتاب باقی مانده و نشانه های نبوت آن قرار گرفته و مسیر حرکت سنت است و سرانجام نیکو بدان بازگردد. هر کس که ادعا کند، هلاک شود و هر که دروغ بزند به مقصود نرسد و هر که با حق ستیزد، خد تباه شود.»^۱

در جای دیگر می فرماید: «به خداوند شکوه می کنم از مردمی که در جهل زیستند و در ضلالت می روند. در نظر آنان هیچ متاعی کاسدتر از کتاب خدا نیست اگر آنچنانکه شایسته است تارت شود. و هیچ متاعی رواجتر و گرانبهارتر از آن نیست اگر تحریف شده باشد از اصل واقعی خود گردیده باشد. هیچ چیز را زشت تر از کار نیک نمی دانند و هیچ خست را نیکوتر از زشتکاری نمی شمارند.»^۲

درباره اهل بیت (علیهم السلام) می فرماید: «آل محمد امینان اسرار خداوندند و پناهگاه اوامر او و معدن علم او و مرجع حکمت او و خزانة نبیهای او و قله های رفیع دین او. قامت خمیده دین به پایمردی آنان راستی گرفت و لاش اندامهایش به نیروی ایشان آرامش یافت.»^۳

۱. النِّمِینَ وَ الشَّمَالَ مَضَلَّةً، وَ الطَّرِیقَ الْوَسْطَى هِیَ الْجَادَّةُ، عَلَیْهَا بَاقِی الْکِتَابِ وَ آثَارُ النُّبُوَّةِ، مِنْهَا مُنْفَذُ الشُّبُهَةِ، وَ إِلَیْهَا مُصِیرُ الْعَاقِبَةِ، هَلْکَ مَنْ ادَّعَى، وَ خَابَ مَنْ افْتَرَى، مَنْ أَبَدَى صَفْحَتَهُ لِلْحَقِّ هَلْکَ، نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، خطبه ۱۶.

۲. إِلَى اللَّهِ أَشْکُو مِنْ مَقْشَرٍ یَعِیشُونَ جَهْلًا، وَ یَمُوتُونَ ضَلَالًا، لَیْسَ فِیْهِمْ سَلْعَةٌ إِذْ بَوَّرَ مِنَ الْکِتَابِ إِذَا تَلَّى حَقَّ تِلَاوَتِهِ، وَ لَا سَلْعَةٌ إِذْ تَفَقَّی بَیْنَمَا وَ لَا إِعْلَی ثَمَنًا مِنَ الْکِتَابِ إِذَا خَرَفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَ لَا عِنْدَهُمْ أَتْکَرُ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَ لَا اعْرِفَ مِنَ الْمُنْکَرِ؛ نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، خطبه ۱۷.

۳. هُمْ مُؤَصِّغُ سِرِّهِ وَ نَجَاءُ أَمْرِهِ وَ عِیْبَةُ عِلْمِهِ وَ مَوْبِلُ حُکْمِهِ وَ کَهْوَفُ کُتُبِهِ، وَ جِبَالُ دِیْنِهِ، بِهِمْ اِئْقَامُ انْحِنَاءِ ظَهْرِهِ وَ اَذْهَابُ اِرْتِعَادِ قَرَائِصِهِ؛ نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، خطبه ۲.

«در این امت هیچ کس را با آل محمد علیهم السلام مقایسه نتوان کرد. کسانی را که مرهون نعمتهای ایشان اند با ایشان برابر نتوان داشت، که آل محمد اساس دین اند و ستون یقین که افراط کاران به آنان راه اعتدال گیرند و واپس ماندگان به مدد ایشان به کاروان دین پیوندند. ویژگیهای امامت در آنهاست و بس. و وراثت نبوت منحصر در ایشان. اکنون حق به کسی بازگشته که شایسته آن است و به جای باز آمده که از آنجا رخت بر بسته بود.»^۱

در جای دیگر می فرماید: «ما تکیه گاه میانه ایم، عقب ماندگان به ما می رسند، و تندران غافلانده به سوی ما باز می گردند.»^۲

در حدیث دیگری می فرمایند: «در باره من دو تن هلاک شوند: دوستدار از حد گذرنده، و دشمنی. بی جهت دشمنی ورزد و افترا بزند.»^۳

موضوع غلو در فرهنگ اسلام و اهل بیت علیهم السلام و نقطه مقابل آن قصور و تفریط و تقصیر در حق پیامبر سلیم الشان صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و یا هر یک از اصحاب و انصار و بندگان شایسته خداوند و اولیای الهی.

به هر صورت و در هر شکل مسئله مهمی است تا مسلمانان و پیروان مذاهب مختلف و مکتبهای گوناگون به ویژه در میان آنان مکتب اهل بیت علیهم السلام ابعاد و زوایای آن را بشناسند و نسبت به هر یک از این رویه گرفتن از حقیقت هشیار باشند. ضمناً لازم است که جریان های تکفیری و منحرف نیز اعتقادات صحیح و حکمت آمیز پیروان اهل بیت علیهم السلام را از زبان علمای راستین و اصول و مبانی مکتب بشناسند و از تهمت و افترا و یا ادعاهای بی اساس و یا مدعیان

۱. لَا يُقَاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ عليهم السلام مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ أَحَدٌ وَلَا يُسَوَّى بِهِمْ مَنْ جَزَتْ نِعْمَتُهُمْ عَلَيْهِ أَبَدًا هُمْ أَساس الدِّينِ وَ عِمَادُ الْيَقِينِ. إِنَّهُمْ يَفِيءُ الْغَالِي وَ بِهِمْ يُلْحَقُ النَّالِي. وَ لَهُمْ خَصَائِصُ حَقِّ الْوَلَايَةِ وَ فِيهِمْ الْوَصِيَّةُ وَ الْوَرَاثَةُ الْآنَ إِذَا رَجَعَ الْحَقُّ إِلَى أَهْلِهِ وَ نَقَلَ إِلَى مُنْتَقَلِهِ: نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، خُطْبَةٌ ۲.

۲. نَحْنُ النَّمْرُوقَةُ الْوَسْطَى بَهَا يُلْحَقُ النَّالِي وَ إِلَيْهَا يَرْجِعُ الْغَالِي: نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، حِكْمَتُ ۱۰۹.

۳. هَلَكَ فِي رَجُلَانِ: مُحِبٌّ غَالٍ وَ مُبْغِضٌ قَالٍ: نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، حِكْمَتُ ۱۱۷.

فاسد پرهیز کنند و به صرف ادعاهای غلط برخی، هر مسئله ای را به پیروان و دوستداران مکتب جعفر بن محمد الصادق علیه السلام نسبت ندهند و از بلند کردن چماق تکفیر و تفسیق بدون مینا و دلیل پرهیز نمایند. باید اصول هر مذهبی را از منابع اصلی و علمای راستین آن مکتب اخذ نمود و از اتهام و افتراء نسبت‌های ساختگی پرهیز کرد تا در صورت اشتباه نیز در پیشگاه خداوند مأجور باشیم.

در بیان دیگری از وجود مبارک امیر المؤمنین علیه السلام آمده است: درباره من دو دسته خلک می‌شوند: دسته ای که با محبت افراطی خود غلو می‌کنند و از جاده حق منحرف می‌شوند و دسته ای که با بغض و کینه خود تفریط می‌کنند و از حق منحرف می‌شوند.^۱

آری! محبت آل‌وه با راه پرتگاه سقوط است و کینه توزی و عداوت مومنانه نیز پرتگاه است.

امام رضا علیه السلام فرمودند: ما هرگز گفته ایم که مردم بنده مایند.^۲ و در جای دیگر امام رضا علیه السلام به ابن ابی محمود فرمودند: «مخالفین ما سه نوع خبر در فضائل ما جعل کرده اند: یکی ر آن‌ها غار است، و دومی کوتاهی در حق ما می‌باشد، و سوم تصریح به بدی‌های دشمنان ما است. وقتی مردم اخبار غلو آن دسته را می‌شنوند، شیعیان ما را تکفیر می‌کنند و می‌گویند: شیعه به ربوبیت ائمه خود اعتقاد دارد. و وقتی کوتاهی در حق ما می‌شنوند، به آن معتقد می‌شوند، و وقتی بدی‌های دشمنان ما و دشنام به آنان را می‌شنوند، ما را دشنام می‌دهند. و حال آنکه، خداوند می‌فرماید: (و کسانی را که مایند،

۱. سَتَهْلِكُ فِيْ مَنَافٍ مُّحِبٍّ مُّفَرِّطٍ يَذْهَبُ بِهَ الْحُبِّ اِلَى غَيْرِ الْحَقِّ وَ مَبْغِضٍ مُّفَرِّطٍ يَذْهَبُ بِهَ الْبَغْضُ اِلَى غَيْرِ الْحَقِّ؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

۲. لا و قرابتی من رسول الله ما قلته قط، و لا سمعته من آبائي قاله، و لا بلغني عن أحد من آبائي قاله. الكافي، چاپ اسلامی، ج ۱، بَابُ فَرَضِ طَاعَةِ الْأَئِمَّةِ، ص ۱۸۷.

ولكنی اقول: الناس عبید لنا فی الطاعة موال لنا فی الدین فلیبلغ الشاهد الغائب (بحار، ج ۲۵، ص ۲۷۹) و یا فرمودند: فوالله ما تقرب الى الله الا بالطاعة

عبادت می کنند، دشنام ندهید، زیرا آنان خدا را از روی نادانی دشنام خواهند داد^۱ ای ابن ابی محمود! وقتی مردم به چپ و راست می روند، تو همراه ما باش، زیرا هر کس با ما همراه شود، ما با او همراه خواهیم بود، و هر کس از ما جدا شد، ما نیز از او جدا خواهیم شد؛ کمترین چیزی که باعث می شود ایمان انسان از بین برود این است که در مورد سنگریزه بگوید این هسته است و سپس این مورد معتقد شده و از مخالفین خود دور شود. ای ابن ابی محمود! آنچه برای تو گفتم حفظ کن و نگه دار، زیرا در این گفتار، خیر دنیا و آخرت برای تو جمع شده است.^۲

امید آن که خداوند متعال توفیق معرفت کامل و خدمت صادقانه به همه ما عنایت فرماید.

برادر عزیز و اندیسمنند برادرانه، جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای رضایی (دامت تأییداته) که الحمد لله در ارائه کارهای خوب و تألیفات نفیس موفق هستند، در این رساله شریفه به تبیین مسئله غلو و ریشه و عوامل آن پرداخته و توضیحات مفید و نکات ارزشمندی را یادآور شده اند که مطالعه آن برای همگان مفید خواهد بود. امید است همگان با دیده احسان بنگرند و بر گفتمان علمی و آگاهانه و نقد حکیمانه پای بیافشند و همه با مسوایت و همدلی و اخوت اسلامی برای عزت و سربلندی دنیای اسلام به پا خیزیم و مساهدت کنیم.

۱. سوره انعام، آیه ۱۰۸.

۲. إِنَّ مَخَالِفَنَا وَضَعُوا أَخْبَارًا فِي فِضَالِنَا وَجَعَلُوهَا عَلَى ثَلَاثَةِ أَقْسَامٍ أَحَدُهَا الْقُلُوبُ وَثَانِيهَا التَّفْصِيرُ فِي أَمْرِنَا وَثَالِثُهَا التَّضْرِيحُ بِمَقَالِبِ أَغْدَانِنَا فَإِذَا سَمِعَ النَّاسُ الْقُلُوبَ فِينَا كَفَرُوا شَيْعَتَنَا وَتَسَبَّوْهُمْ إِلَى الْقَوْلِ بِرُجُوبِيتِنَا وَإِذَا سَمِعُوا التَّفْصِيرَ اعْتَقَدُوهُ فِينَا وَإِذَا سَمِعُوا مَقَالِبَ أَغْدَانِنَا بِأَسْمَائِهِمْ قَلْبُونَا بِأَسْمَائِنَا وَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ يَا ابْنَ آدَمَ ابْنُ آدَمَ إِذَا أَخَذَ النَّاسُ بِمِيمِنَا وَشِمَالِنَا فَالْزِمْ طَرِيقَتَنَا فَإِنَّهُ مَنْ لَزِمَنَا لَزِمَنَا وَمَنْ فَارَقَنَا فَارْقَنَا إِنْ أَذْنِي مَا يَخْرُجُ بِهِ الرَّجُلُ مِنَ الْإِيمَانِ أَنْ يَقُولَ لِلْعَصَا هَذِهِ نَوَافَةُ يَدَيَّ بِذَلِكَ وَيَبْزَأَ مِمَّنْ خَالَفَهُ يَا ابْنَ آدَمَ ابْنُ آدَمَ إِذَا أَخْفَظَ مَا حَدَّثْنَاكَ بِهِ فَقَدْ حَفِظْتَ لَكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (بحار الأنوار، ج ۲۶)

امروز علمای جهان اسلام باید با همفکری و بحث‌های خردمندانه برای یاری اسلام قیام نموده و از نفی یکدیگر و تهمت و افترا و تکفیر پرهیز نمایند تا خداوند انشاءالله از همه ما راضی باشند. انشاءالله تعالی، **فَبَشِّرْ عِبَادِي * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ**^۱

توفیقات همه خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل البيت (علیهم السلام) و مؤلف ارجمند را از خدای بزرگ مسئلت می‌نمایم.

ملتمس دعای خیر

دری نجف آبادی

۹۳/۱۱/۸

۱. سوره زمر، آیات ۱۷ و ۱۸.

پیش گفتار:

"غلو" یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های انحراف در ادیان آسمانی بوده است. غلو همواره یک عیب بزرگ را به همراه دارد و آن ویران نمودن اساس دین، یعنی خداپرستی و توحید است.

به همین دلیل اسلام در باره غلات سخت‌گیری شدیدی کرده تا جایی که در کتب "عقائد" و "فقه" ملل از بدترین کفار معرفی شده‌اند.

خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: ما شما (مسلمانان) را امت معتدل و میانه رو قرار داده ایم.

با وجود این، تاریخ افراط و غلو به بلندای تاریخ زندگی بشر است و تاریخ اسلام نیز از وجود کج‌اندیشانی خبر می‌دهد که به جام اعتدال و تأمل در باورهای اصیل دینی و مراجعه به پیشوایان دین، راهی دیگر پیدا نکرده، اندیشه‌هایی را بروز دادند که در ادبیات دینی، غلو نامیده می‌شوند.

غالیان به طور کلی در اندیشه‌های خود اعتدال را رها کرده و افراط‌گری‌های شگفتی داشتند تا آنجا که گاه ادعای الوهیت نیز می‌کردند.

متأسفانه در همان قرون اولیه اسلام، عوامل متعددی دست به دست هم داده و در راه کوبیدن مذهب حق شیعه که مبتنی بر اصول و عقاید متعارف و منطبق بر معارف اصیل و ناب آسمانی بود، همت گماشتند و سعی در ارائه چهره‌ای وارونه از این مذهب نموده، آنها را غالیان دین نامیدند. آتش بیار اصلی معرکه

۱. وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا. سوره بقره - آیه ۱۴۳

عواملی برون مذهبی همانند افراد دنیاپرست و شیاد به عهده داشتند که برای فریب توده ها چند صباحی خود را در داخل شیعیان جا زده بودند. آن ها از احساسات و عواطف پاک و بی شائبه مردم و نیز ناآگاهی آنان استفاده نموده و با رواج عقاید غلوآمیز خود، شروع به بنیانگذاری فرقه ها و گروهک هایی منتسب به شیعه نمودند؛ به گونه ای که تا نیمه قرن چهارم هجری به نام حدود ۶۰ فرقه از این گونه گروهک ها برخورد می نماییم. پوشیده نماند که دیدگاه یگیری نیز نسبت به منزلت و جایگاه ائمه مطرح است که به تقصیر مشهور است و صاحبان این اندیشه را نیز مقصره می گویند. در این دیدگاه بر خلاف دیدگاه غلات، چنان شایع و منزلت امامان را پایین آورده اند که آنان را همسنگ و همپراز انسان را با عادی معرفی کرده اند. امامان و علمای شیعه با این دیدگاه نیز مخالف اند، گرچه خطر پنداره غلات را بیشتر می دانند.^۱ در واقع مخالفان ائمه (علیه السلام) از این دو روش؛ یعنی غلو و تقصیر در مورد امامان^۲ و همچنین ساختن

١. امالي، طوسي، ص ٤٥٠

۲. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «لَا تَسْمُونَا أَرْبَابًا قَوْمِي أَسْلَمْنَا شَيْئًا فَانْكَم لَنْ تَبْلُغُوا مِنْ فَضْلِنَا كُنَّةً مَا جَعَلَهُ اللَّهُ لَنَا وَلَا مِعْشَارَ الْعَشْرِ، لِأَنَّ آيَاتَ اللَّهِ وَدَلَالَتَهُ حُجَجُ الْإِلَهِ وَخُلَفَاؤُهُ وَأَمَنَاءُ وَوَجْهَ اللَّهِ وَعَيْنَ اللَّهِ وَلسَانَ اللَّهِ»؛ در فضل و برتری ما هر چه می خواهید بگویید بیکرمانندید که نه تنها به حقیقت فضایی که خدا برای ما قرار داده است نمی رسید، بلکه به اندکی از آن نیز نمی رسید؛ زیرا ما آیات و دلائل خدا، حجت، خلیفه و جانشین، امین، وجه، چشم و زبان او هستیم... بحواله انوار، ج ۲۶، ص ۶ امام صادق علیه السلام بعد از برحذر داشتن کامل تمار از غلو فرمود: شاید بهتر باشد بگوئیم: آنچه از علم ما که به شما می رسد چیزی جز الف غیر معطوفه نیست. لسان عرب، ج ۶، ص ۱۹۹. الف معطوفه مجلسی می گویند: «غیر معطوفه» یعنی نصف حرف؛ زیرا در خط کوفی حرف الف، این رده نوشته می شد که نصف آن مستقیم و نصف آن معطوف بود و الف غیر معطوفه، یعنی الفی که فقط نصف مستقیم آن نوشته شده است. ابن اثیر، النهایه، ج ۳، ص ۳۸۲. بنابراین، از بیست و هشت حرف زبان عربی، حتی به اندازه یک حرف آن نیز بیان نشده است.

سَرش آن است که آن انسان‌های کامل و خلقای الهی، آینه تمام‌نمای جمال و جلال الهی و آیه‌های بزرگ او هستند و خدا را نشانه‌ای برتر از آنان نیست. امام علی (ع) فرمود: «ما لله آية اكبر مني»^۱ اَلْقُلُو و الموقف الاسلامی، ص ۱۷. و در زیارت آن حضرت می‌گوییم: «السلام عليك يا آية الله العظمی» بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۳۷۳. زیارت امام علی (ع) در هفده ربیع الاول و همان‌گونه که اوصاف کمال الهی پایان‌ناپذیر است، اوصاف کمال آینه‌داران آن جمیل مطلق نیز پایان ندارد.

امام رضا علیه السلام در معرفی راهبران نورانی بشر به این مطلب اشاره می فرماید: الامام كالشمس الطالعه

روایاتی در مذمت دشمنان آنها سعی در خدشه دار نمودن چهره اصیل شیعه و امامان داشتند^۱.

خوشبختانه هوشیاری و درایت کامل ائمه معصومین (علیهم السلام) اجازه نداد که این فرقه ها و گروهک ها به صورت دیر پا باقی بمانند. امامان معصوم از راه بیان عقاید صحیح و غیر افراطی، افشاگری پیرامون رؤسای غلات و اهداف و توطئه های آن ها، بیان نتایج عقاید غلو آمیز، و سرانجام صدور فرمان قتل بعضی از رؤسای غلات، تلاش عظیم و پرمهری را در راه اضمحلال این پدیده خطرناک آغاز نمودند؛ به گونه ای که مشابه این تلاش را از سوی آنان در مقابله با هیچ یک از فرق دیگر انحرافی و حتی ادیان غیر اسلامی بالاتر از همه - مکاتب الحادی - سراغ نداریم. اما نباید از نظر دور داشت که پاره ای از افکار باقی مانده آن که احیاناً هنوز در میان منابع شیعی یافت می شود، توانسته است به کمک بعضی از مغرضان و معاندان شیعه آمده، آنان را در شبهه جلوه دادن چهره تشیع امامی یاریگر باشد؛ چنان که هم اکنون شاهدیم نویسندگان همچون ناصر الغفاری در اصول مذهب الشیعه، عبدالله القمیزی در الصراع بین الاسلام و الوثنیة، احسان اللهی ظهیر در الشیعه و السنه، و سید موسی موسوی در الشیعه و التصحیح با تیراژ میلیونی کتب خود و با استفاده از همین افکار رسیده، به رین و کارآمدترین

المجله بنورها للعالم وهي في الافق بحيث لاتنهالها الايدي والابصار الامام البدر المنير سراج الزهرا والنور الساطع والنجم الهادي في غياهب الدجي واجواز البلدان والقفار ولجج البحار، اما هذا العذب علي الظما والندال علي الهدي والمنجي من الردي الامام النار علي اليفاع الحار لمن اسطلي، والدين في المهالك من فارقه فهالك؛ امام به خورشید نورافشانی می ماند که پرتو نورش، تمام جهان را فرا گرفته ومقام او در افقی است که دستان و دیدگان به آن نرسد. امام ماه تابان، چراغ فروزان، نور درخشان و ستاره ای راه ناست در شدت تاریکی ها و ره گذر شهرها و کویرها و گرداب دریاها (درهر سرگردانی امام، راه ناست). امام آب گوارای زمان تشنگی و رهبر به سوی هدایت و نجات بخش از هلاکت است. امام آتش روشن روی تبه (نورهدایت کننده گم گشتگان)، وسیله گرمی سرمازدگان (نور گرمابخش در سرزمین سرد جهالت) و ره نمای هلاکت گام هاست؛ هر که از او جدا شود، هلاک می گردد. اصول کافی، ترجمه علی اکبر غفاری، ج ۱، ص ۲۰۰.

۱. عیون اخبار الرضا (علیه السلام) ج ۱، ص ۳۰۳.

دستاویزهای خود را برای حمله به شیعه و آلوده نشان دادن آن فراهم آورده اند. از همین جاست که لزوم مطالعه پیرامون پدیده خطرناک غلو و تلاش در راه شناخت ماهیت غلو، اهداف اشاعه دهندگان و پیامدهای آن به صورت مضاعف خود را نشان می دهد.

در این نوشتار به دنبال تبیین اندیشه غلو و پی آمدهای آن و نیز راههای مایله آن در آیات و روایات هستیم. بر اساس مهم ترین یافته های این تحقیق، اعتقاد به الوهیت اشخاص، حلول خدا در انسان، تناسخ، تشبیه و تفویض امر عالم به رخی آنها از مهم ترین اعتقادات غالیان بوده که گاه به انگیزه، ارتزاق و کسب درآمد، راه به خاطر اغراض غیر الهی^۱ و گاه ناتوانی در درک حقایق دینی و گاه به منازر ابایی گری مطرح می شده است.

اما این را باید بدانیم در قدس و نوحید، غالی کسی است که رهبران الهی را از مقام عبودیت و بندگی فراسر ببرد. آن را خدا و یا مصدر افعال خدا بپندارد؛ مثلاً بگوید: آنان خالق زمین و آسمانند (شرک در خالقیت) یا معتقد باشد که تدبیر نظام آفرینش - پس از ایجاد - به دست آنهاست و آنها «رازق»، «محيی» و «ممیت» می باشند (شرک در تدبیر).

یا بگوید: امر تشریع به آنان واگذار شده و تحریم را بحال در دست آنها است (شرک در تقنین).

۱. متأسفانه گاهی مغرضان یا بی خبران عقاید حقه تشیع به ویژه در مسئله انسان شناسی را نادیده گرفته و شیعه را به عنوان غالی معرفی می کنند؛ مثلاً زبیدی در تاج العروس می نویسد: «امامیه فرقه ای از غالیان شیعه است». تاج العروس، ماده غلو، ج ۸، ص ۱۹۴.

پیروان اهل بیت در تمام مراتب توحید ذره‌ای از مرز توحید حقیقی تجاوز نکرده، تنها خدا را خالق، مدبر و مشرع می‌دانند و رهبران آسمانی را انسان‌های برتر و والا می‌شمارند.

والسلام

علی رضائی شاخنی

زمستان ۱۳۹۳ خراسان جنوبی - بیرجند.